

سقوط قسطنطنیه

میکا والتاری

ترجمه و اقتباس: ذیح الله منصورى

www.ketab.ir



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس: ۱۳۵۲

سرشناسه	والتاری، میکا، ۱۹۵۴-۱۹۷۹ م. Waltari, Mika
عنوان و نام پدیدآور	سقوط قسطنطنیه: (جنگ دریایی لپانت) / [میکا والتاری]: ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصوری.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نگاه، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	۵۷۶ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۲۶۷-۲۶۷-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: Johannes Angelos.
یادداشت	کتاب حاضر در سال های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع	داستان های فنلاندی -- قرن ۲۰ م. Finnish fiction -- 20th century جنگ لپانت، ۱۵۷۱ م. Lepanto, Battle of, Greece, 1571 استانبول (ترکیه) -- تاریخ -- محاصره، ۱۴۵۳ م.
شناسه افزوده	منصوری، ذبیح الله، ۱۲۸۸ - ۱۳۶۵، مترجم
رده بندی کنگره	PH۳۵۵
رده بندی دیویی	۸۹۴/۵۴۱۳۳
شماره کتابشناسی ملی	۸۸۶۶۷۹۷

سقوط قسطنطنیه

میکا والتاری
ذبیح الله منصوری

نمونه خوان: نازیلا وفا
صفحه آرا: علی نجفی
حروف چین: زینب زیدآبادی
چاپ اول: تیر ۱۴۰۱
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
لیتوگرافی: اطلس چاپ
چاپ: شاهین

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۷-۱۶۷-۶

با اشراف علی عسکری- وکیل خانواده منصوری
بر چاپ آثار ذبیح الله منصوری



مؤسسه انتشارات نگاه

حق چاپ محفوظ است.

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری
بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵
تلفن: ۱۲ - ۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷
فروشگاه: خیابان کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پلاک ۱۴۰
تماس: ۸۸۴۹۰۱۳۸-۸۸۴۹۰۱۹۵

negahpub1@gmail.com

www.negahpub.com negahpub newsnegahpub

فهرست

۷.....	سخن ناشر
۹.....	مقدمه
۱۵.....	فصل اول: من متهم به قتل پدرم شدم
۴۲.....	فصل دوم: هویت مرموز من برای دیگران
۶۰.....	فصل سوم: نظریه مردم راجع به قسطنطنیه
۷۶.....	فصل چهارم: آیا فرمانده نیروی دریایی خواهان سقوط شهر بود؟
۸۸.....	فصل پنجم: کیسه جواهر
۱۰۵.....	فصل ششم: زمامدار جوان عثمانی
۱۱۴.....	فصل هفتم: شایعه مؤثرترین سلاح جنگ
۱۳۵.....	فصل هشتم: ملاقات با فرمانده نیروی دریایی
۱۵۴.....	فصل نهم: سوء قصد
۱۶۵.....	فصل دهم: راز زن‌های تارک دنیا
۱۹۰.....	فصل یازدهم: تاریخ حمله محمد دوم نزدیک شد
۱۹۵.....	فصل دوازدهم: مقابل بندر زنجیر نصب کردند
۲۰۷.....	فصل سیزدهم: دشمن به کنار شهر رسید
۲۲۲.....	فصل چهاردهم: ورود توپخانه سلطان محمد
۲۳۹.....	فصل پانزدهم: یک سازنده توپ در یک کتابخانه
۲۵۰.....	فصل شانزدهم: در یک اتاق تاریخی در قسطنطنیه

فصل هفدهم: شبیخون عثمانی ها و یک ورود غیرمنتظره	۲۵۵
فصل هجدهم: یک جنگ دریایی در کنار شهر	۲۷۱
فصل نوزدهم: عبور کشتی های جنگی عثمانی از خشکی (۱)	۲۸۵
فصل بیستم: یک خیانت	۲۹۴
فصل بیست و یکم: آثار کمی خواربار در شهر	۳۰۹
فصل بیست و دوم: آغاز حمله بزرگ	۳۱۵
فصل بیست و سوم: همسرم را ربودند	۳۲۹
فصل بیست و چهارم: فایده حوض های کوچک آب	۳۳۴
فصل بیست و پنجم: یک پدیده وحشت آور	۳۴۸
فصل بیست و ششم: روشنائی ها در آسمان شهر	۳۶۹
فصل بیست و هفتم: آنا با لباسی سلاحشوری	۳۹۰
فصل بیست و هشتم: هویت واقعی خورشید را فراموش کردم	۳۹۹
فصل بیست و نهم: آخرین استغفار در کلیسا	۴۰۶
فصل سی ام: فریاد «شهر از دست رفت»	۴۱۷
فصل سی و یکم: لاشه همسرم آنا	۴۳۶
فصل سی و دوم: برخورد من با محمد فاتح	۴۵۴
فصل سی و سوم: عهد محمد فاتح با بزرگان یونان	۴۷۰
فصل سی و چهارم: آنژلوس چگونه کشته شد؟	۴۸۲
شرح حال کشته شدن نویسنده اصلی این کتاب از طرف مانوئل نوکراو	۴۸۲
مقدمه مترجم راجع به تاریخ جنگ دریایی بزرگ مسلمین عثمانی با مسیحیان	۴۹۲
بخش اول: جنگ قبرس	۴۹۴
بخش دوم: مقدمات جنگ دریایی و موضوع پارو زدن در کشتی ها	۵۱۳
بخش سوم: انتخاب فرمانده کل نیروهای دریایی	۵۲۷
بخش چهارم: نیروی دریایی عثمانی در لیانت	۵۳۷
بخش پنجم: دو نیروی دریایی به سوی هم رفتند	۵۵۰
بخش ششم: آغاز جنگ	۵۵۷

سخن ناشر

در باب ضرورت بازخوانی ذبیح‌الله منصوری

ذبیح‌الله منصوری از آن دسته مترجم مؤلفانی است که طرفداران و منتقدان بسیاری دارد. او فعالیت مطبوعاتی را در نوزده سالگی (۱۲۹۳) آغاز کرد و تا سال ۱۳۶۵ که در ۹۰ سالگی درگذشت آثاری پرشمار «خلق کرد» که اکثراً در زمره آثار پرفروش بوده و هست. همه می‌دانیم چنان می‌نوشت که کنار گذاشتن کتاب برای خواننده دشوار بود. ذوق ادبی و تخیل او از کاه کوه می‌ساخت و همین نکته حتی در زمان حیاتش منتقدان بسیاری یافت. می‌دانیم که بسیاری از این نقدها درست است و بسیاری مطالبه از روی کینه و سخت‌گیری؛ اما چه چیزی در کار است که خوانش دوباره آثار او را برای ما ضروری می‌کند؟

در پاسخ به این پرسش دو نکته را باید در نظر گرفت. اول نکته‌ای است که زنده‌یاد کریم امامی در کتاب از پست و بلند ترجمه بدان اشاره می‌کند: «راستی راستی آدم باید کتابفروش باشد تا قدر و قیمت ذبیح‌الله منصوری را بشناسد. من کتابفروش هر وقت دست می‌کنم و از زیر میز یک سینه‌هفته تمیز و خوشگل درمی‌آورم و با هزار منت به مشتری می‌دهم برایش طلب آمرزش می‌کنم. در این ایام کساد و کمبود کاغذ و کم شدن تخفیف‌های فروش، فقط منصوری است که ما را نجات می‌دهد... آیا زمان آن فرانسیده است که این چهره عبوس و در عین حال برجسته مطبوعات معاصر را جدی بگیریم و در چند و چون احوالش تأملی بکنیم؟ «مترجم شهیر» و «نویسنده پولساز» هر دو القابی است واقعاً پرازنده قلم کارساز این مرد سخت‌کوش و ظاهراً بی‌ادعا که هر چند خودش از میان ما رفته است، چنین مقدر به نظر می‌رسد که چندین میلیون واژه‌ای که از ذهن پرکارش بیرون جوشیده، سال‌های سال خوانندگان فارسی‌زبان را مشغول کند».